

بررسی مدل های هوش معنوی

نرجس خاتون نیکپور مهربانی (نویسنده مسئول)

ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، واحد آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر ری، گروه علوم تربیتی، ایران، alialamarvdasht@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: هوش معنوی زمانی بروز می کند، که ما بتوانیم معنویت را با زندگی روزانه خود تلفیق کنیم. هوش معنوی ظرفیتی است برای پرسیدن سئوالات غایی در خصوص معنای زندگی و همزمان ظرفیتی است برای تجربه کردن ارتباطات یکپارچه بین ما و جهانی که در آن زندگی می کنیم. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش هوش معنوی، چهار چوبی برای شناسایی و سازمان دهی مهارت ها و توانمندی ها مورد نیاز است؛ به گونه ای که با استفاده از معنویت میزان انطباق پذیری فرد افزایش می یابد. هوش معنوی، توانایی به کارگیری و بروز منابع، ارزش ها و کیفیت های معنوی است؛ به گونه ای که بتواند کارکرد روزانه و آسایش (سلامت جسمی و روحی) را ارتقاء دهد.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که هوش معنوی، هوشی که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش ها را حل می کنیم، هوشی که فعالیت ها و زندگی ما را در زمین هی وسیع تر، غنی تر و معنا دار قرار می دهد، هوشی که به ما کمک می کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادار تر از دیگری است.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، توانایی، ارزش ها، فعالیت، کیفیت های معنوی کیفیت های معنوی

۱- مقدمه

هوش معنوی جنبه های مختلفی از آگاهی و زندگی ذهنی و روحی درونی فرد را با زندگی و کار بیرونی متصل و یکپارچه می کند و نوعی آگاهی درباره تمامیت جهان به شکلی کلی به فرد می دهد [۱]. سیندی ویگلورث معتقد است که هوش معنوی توانایی رفتار کردن با دلسوزی و دانایی در حین آرامش درونی و بیرونی، صرف نظر از پیشامدها و رویدادهاست. افراد با هوش معنوی در حین قضاوت، توانایی منصفانه و دلسوزانه رفتار کردن را دارند. هوش معنوی ما را قادر می سازد همه چیز را آنطور که هستند ببینیم. این هوش همان هوشی است که رهبران مشهور و محبوب جهان را هدایت کرده است. رهبران معنوی با داشتن این هوش می توانند بزرگترین فشارها را تحمل کنند [۲]. مؤلفه های متعدد دیگری نیز برای هوش معنوی ذکر می شود، نظیر: عقل شهودی؛ ادراک مستدل؛ آگاهی بر خواست و نیت؛ قدرت و عدالت متمرکز؛ عملکرد همراه با بصیرت؛ آگاهی و توان دوراندیشی؛ حس ماوراء الطبیعه و تقدس؛ آرامش درونی و بیرونی؛ دیدن وحدت در کثرت؛ پیوند و خدمت خلاق؛ خیرخواهی عملی و معنوی؛ خردمندی؛ فضیلت و انسانیت؛ دلسوزی، شفا و بخشش؛ وقار و تعهد؛ زندگی با شوق؛ عشق، فداکاری و شفقت؛ ایمان و ایثار؛ و راحت بودن در تنهایی بدون احساس تنهایی [۳].

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از نظر ماهیت، کیفی و از نقطه نظر، شیوه ی گردآوری اطلاعات، از نوع کتابخانه ایاسنادی است. روند انجام پژوهش نخست با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط داخلی و خارجی در زمینه ی موضوع پژوهش انجام گرفت. پس از آن، ضمن بررسی محورهای اساسی، کلیدواژه ها و مفاهیم بنیادی آن گزیده شدند؛ و در ادامه به جایگاه و ارتباط مفاهیم پرداخته شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنا تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است. روش تحقیق به منظور وصول به اهداف، روش توصیفی - تحلیلی است که در آن ضمن توصیف اطلاعات جمع آوری شده، اطلاعات نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه ای صورت گرفته است. در این روش اطلاعاتی گردآوری می شود که به لحاظ ماهیت کیفی اند و در کتابخانه نگهداری می شوند. منابع کتابخانه ای مورد استفاده عبارتند از کتاب، مقاله و دیگر آثار مکتوب اعم از کاغذی و الکترونیکی و بخشی از گردآوری اطلاعات در روش مذکور از طریق فیش نویسی صورت گرفته است. در شیوه پردازش اطلاعات عمدتاً از استنتاج یا استدلال استفاده شده است. برای سازماندهی هرچه بهتر تحقیق بر اساس سوالات اصلی و فرعی، ابتدا مفهوم شناسی موضوع و سپس تحلیل محتوا مورد بحث قرار می گیرد و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری**معنویت**

معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی و خودشناسی می شود بیلوتا معتقد است معنویت، نیاز فراتر رفتن از خود در زندگی روز مره و یکپارچه شدن با کسی غیر از خودمان است، این آگاهی ممکن است منجر به تجربه ای شود که فراتر از خودمان است [۴]. معنویت امری همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه های مختلفی دارد. ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمار گونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد [۵].

وگان بعضی از خصوصیات معنویت را چنین عنوان کرده است :

- ۱ بالاترین سطح رشد در زمینه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را در بر می گیرد .
- ۲ یکی از حوزه های رشدی مجزا می باشد .
- ۳ بیشتر به عنوان نگرش مطرح است. (مانند گشودگی نسبت به عشق)
- ۴ شامل تجربه های اوج می شود [۶].

مبانی هوش معنوی

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب، به ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر جدید احساس می شود. یکی از این ضرورت ها در عرصه ی انسان شناسی توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان، به ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می کند [۷].

ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره ی کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن تری از ایمان ، و کاربرد آن در زندگی روزانه است. همچنین گستره ی معنویت و مذهب در همه ی زوایای زندگی انسان و نیز لزوم ارزیابی مجدد نقش مذهب در بهداشت روانی است [۸]. پژوهش درباره ی معنویت امروزه در رشته های متنوعی از قبیل پزشکی، روان شناسی، انسان شناسی، عصب شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است. در راستای این جهت گیری معنوی و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مولفه های روان شناختی (مثل سلامت روان)، گروهی از پژوهشگران در تبیین بعضی از مشاهدات و داده ها، درصد تعریف مفاهیمی جدید در ارتباط با دین و معنویت بوده اند [۹]. برای مثال، مفاهیم سلامت معنوی ، بهزیستی معنوی ، تحول معنوی در آستانه هزاره سوم میلادی به ادبیات آکادمیک روان شناسی اضافه شده اند [۱۰]. سازه هوش معنوی نیز یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط امونز مطرح شد [۱۱]. به موازات این جریان، گاردنر مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی معنویت و هوش را به چالش کشید [۱۲]. هوش معنوی، موضوع جالب و جدیدی است که مطالب نظری و نیز یافته های پژوهشی و تجربی در مورد آن بسیار اندک است. اخیراً، این موضوع نظر بسیاری از صاحب نظران و محققان را به خود جلب کرده است.

یک دیدگاه یکپارچه درباره ی هوش معنوی در حیطه ی هوش چندگانه می گنجد و هوش معنوی را در زمینه ای از کل زندگی فرد می نگرد. هوش معنوی یکپارچه به معنی زندگی بر حسب باورها و عقاید اصلی و پایه ای فرد می باشد. این یکپارچگی، حس معطوف به هدف را تقویت می کند، درحالی که چند پاره ای بودن آن به بیگانگی و ناامیدی منجر می شود [۱۳].

باید گفت که مفهوم هوش دارای تعاریف گوناگون و مختلفی می باشد. در یک تعریف نسبتاً جامع، هوش را می توان ظرفیت یادگیری، تمامیت دانش کسب شده و توانایی سازش یافتگی با محیط دانست. هوش معنوی بیانگر مجموعه ای از توانایی ها، ظرفیت ها و منابع معنوی می باشد که کاربرد آنها در زندگی روزانه می تواند موجب افزایش انطباق پذیری فرد شود. در تعریف های موجود از هوش معنوی، به ویژه بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است [۱۴].

مولفه های هوش معنوی

ایمونز تلاش کرد معنویت را براساس تعریف گاردنر از هوش، در چارچوب هوش مطرح نماید. وی معتقد است معنویت می تواند شکلی از هوش تلقی شود ، زیرا عملکرد و سازگاری فرد (مثلاً سلامتی بیشتر) را پیش بینی می کند و قابلیت هایی را مطرح می کند که افراد را قادر می سازد به حل مسائل بپردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشد [۱۵]. گاردنر، ایمونز را مورد انتقاد قرار می دهد و معتقد است که باید جنبه هایی از معنویت را که مربوط به تجربه های پدیدار شناختی هستند (مثل تجربه تقدس

یا حالات متعالی) از جنبه های عقلانی، حل مسئله و پردازش اطلاعات جدا کرد. [۱۶] وی بعضی از خصوصیات هوش معنوی را چنین عنوان می کند

الف) هوش معنوی نوعی هوش غایی است که مسائل معنایی و ارزشی را به ما نشان داده و مسائل مرتبط با آن را برای ما حل می کنند. هوشی است که اعمال و رفتار ما را در گستره های وسیع از نظر بافت معنایی جای می دهد و همچنین معنادار بودن یک مرحله از زندگی مان را نسبت به مرحله دیگر مورد بررسی قرار می دهد [۱۷]

ب) هوش معنوی ممکن است در قالب ملاک های زیر مشاهده شود: صداقت، دلسوزی، توجه به تمام سطوح هشیاری، همدردی متقابل، وجود حسی مبنی بر اینکه نقش مهمی در یک کل وسیعتر دارد، بخشش و خیر خواهی معنوی و عملی، در جستجوی سازگاری و هم سطح شدن با طبیعت و کل هستی، راحت بودن در تنهایی بدون داشتن احساس تنهایی.

ج) افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، ظرفیت تعالی داشته و تمایل بالایی نسبت به هشیاری دارند [۱۸].

آنان این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت های روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص بدهند و فضایی مانند بخشش، سپاسگزاری، فروتنی، دلسوزی و خرد از خود نشان دهند. هوش معنوی یک استعداد ذاتی بشری می باشد. وی با توانایی های اصلی امونز برای هوش معنوی موافق است و دو مولفه دیگر نیز به آن ها اضافه می کند:

۱) تشخیص آگاهانه این موضوع که واقعیت فیزیکی درون یک واقعیت بزرگتر و چند بعدی که ما هشیارانه و نا هشیارانه با آن بطور لحظه به لحظه تعامل داریم صورت بندی می شود.

۲) پیگیری آگاهانه سلامت روان شناختی، نه تنها برای خودمان بلکه هم چنین برای جامعه جهانی [۱۹].

مدل های هوش معنوی:

مدل وگان

وگان، جهت تشریح هوش معنوی، مدلی را ارائه می دهد که بیشتر بر درک معنای زندگی تکیه دارد. به علاوه او همانند ایمونز، معتقد است که هوش معنوی مانند سایر هوش ها جهت حل مسأله کاربرد دارد و مبتنی بر آگاهی فرد است [۲۰].

مدل وگان بر سه جزء هوش معنوی دلالت دارد:

۱. توانایی یافتن معنا براساس درک عمیق مسائل مربوط به هستی؛
۲. آگاهی از سطوح چندگانه هوشیاری و توانایی استفاده از آن جهت حل مسأله؛
۳. آگاهی از تعامل میان همه موجودات با یکدیگر و تعامل آنها با ماوراء (جهان غیرمادی) [۲۱]

مدل بروس لیچفیلد

لیچفیلد نیز مانند سایر اندیشمندان، به بعد آگاهی اشاره می کند، اما توجه او بیشتر بر کاربرد درونی هوش معنوی است، از جمله داشتن آرامش. علاوه براین، او جنبه های اخلاقی این هوش را مورد توجه قرار می دهد [۲۲].

بروس لیچفیلد مشخصات هوش معنوی را چنین مطرح می کند:

۱. آگاهی از تفاوت؛
۲. حس ماوراء الطبیعه؛
۳. حکمت و خرد؛
۴. آگاهی و دوراندیشی؛
۵. آرام بودن در هنگام آشفتگی و تناقض و دوگانگی؛
۶. تعهد، فداکاری و ایمان؛
۷. آگاهی هوشیارانه و سازگاری با وقایع و تجارب زندگی و پرورش خودآگاهی [۲۳].

مدل ایمنوز

ایمنوز معتقد است که هوش معنوی، جنبه های بیرونی هوش را با جنبه های درونی معنویت، تلفیق می کند و بدین ترتیب ظرفیت خارق العاد های در فرد ایجاد می کند، به گونه ای که می تواند معنویت را به شکلی کاربردی مورد استفاده قرار دهد [۲۴]. وی برای افرادی که از نظر معنوی باهوش هستند، ۵ ویژگی را بر می شمارد:

۱. ظرفیتی برای برتر بودن؛
۲. توانایی ورود به سطوح بالاتر آگاهی؛
۳. فعالیت ها و روابط خود را با احساس معنویت انجام دادن؛
۴. توانایی بهره برداری از منابع معنوی برای حل مشکلات زندگی؛
۵. ظرفیت، برای رفتارهای پرهیزکارانه جهت نشان دادن بخشش، بیان سپاس گزاری، نشان دادن رحم و تواضع [۱]

مدل کینگ

کینگ معتقد است که هوش معنوی، ظرفیت و توانایی منحصر به فردی را در شخص ایجاد می کند تا معنا را در زندگی درک کند و به موقعیت های معنوی بالاتر راه یابد [۲]. او مدلی چهار عاملی از هوش معنوی ارائه می دهد. عناصر این مدل عبارتند از:

۱. تفکر انتقادی در خصوص مسائل مربوط به هستی؛
۲. ظرفیت تفکر انتقادی نسبت به مباحث متافیزیکی و مربوط به هستی از جمله حقیقت، جهان، زمان، فضا، مرگ و
۳. ایجاد معنای شخصی؛
۴. توانایی استفاده از تجارب فیزیکی و روحی جهت ایجاد معنا و هدف شخصی.
۳. آگاهی متعالی؛
۴. توانایی شناسایی جنبه های متعالی خویش، دیگران و جهان با استفاده از هوشیاری.
۴. ایجاد موقعیت هوشیاری؛
- توانایی ورود به موقعیت های معنوی بالاتر از جمله تفکر عمیق، نیایش و مراقبه و خروج از آن [۳]

مدل سیسک

سیسک در تشریح هوش معنوی، طبقه بندی تقریباً جامعی ارائه می دهد. وی با ارائه مؤلفه های هوش معنوی بر ویژگی های منحصر به فرد این هوش صحنه می گذارد [۴].

به عقیده وی، مؤلفه های کلیدی هوش معنوی عبارتند از:

ارزش های هسته ای هوش معنوی:

اتصال، رحم، وحدت در همه چیز، احساس تعادل، مسئولیت، خدمت.

تجارب هسته ای هوش معنوی:

آگاهی از ارزش های غایی و معنای آنها، تجربه های برتر، احساس تعالی، آگاهی فراوان.

ظرفیت های مرکزی هوش معنوی:

دغدغه و دل مشغولی نسبت به مباحث مربوط به هستی و داشتن مهارت شهود، مراقبه و تجسم.

خواص کلیدی هوش معنوی:

صداقت، انصاف، دلسوزی (رحم)، با عاطفه بودن (مهربانی).

سیستم های نمادین هوش معنوی:

شعر، موسیقی، استعاره و داستان [۵]

آیا هوش معنوی معیارهای هوش را برآورده می‌سازد؟

تعریف معنویت به عنوان مجموع‌های از توانایی‌ها و مهارت‌ها اولین گام معرفی آن به عنوان یک هوش است، ولی باید دید که آیا می‌تواند معیارهای پذیرفته شده هوش که توسط دانشمندانی همچون گاردن (۱۹۹۳) و مایر (۲۰۱۰) مطرح شده است را کسب کند یا نه [۶]. برای مثال گاردنر (۱۹۹۳) یکسری معیار مطرح کرده است و عقیده دارد اگر یک هوش بتواند اکثریتی از این معیارها را برآورده سازد، می‌توان آن را هوش دانست [۷].

مبنای تکاملی: یکی از شروط گاردنر این است که هوش دارای یک نوع تاریخچه و مبنای تکاملی باشد از دیدگاه روانشناسی ایمنز (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد که بقای جهانی سیستم‌های باور مذهبی را می‌توان از طریق برخی سازوکارهای روانی بررسی نمود، یعنی طبق نظریه انتخاب طبیعی هر سیستم باوری که بهتر توانسته طبقه خاصی از مسائل پیش روی گذشتگان را حل نماید، گسترش بیشتری یافته است [۸]. بنابراین هوش معنوی این شرط را برآورده می‌کند.

مطالعات عصب‌شناسی درباره تجربیات معنوی: مطالعات مربوط به امکان به ارث بردن باورهای مذهبی نقش بیولوژی را در مذهب بیان می‌کنند ولی درباره سازوکارهای عصبی خاص آن حرفی نمی‌زنند. پیشرفت رشته عصب‌شناسی نیز با روشن کردن طرز کار سیستم‌های عصبی به درک مبانی بیولوژیک معنویت کمک می‌کند. پژوهش‌های عصب‌شناسی نشان داده‌اند که ممکن است برای تجربیات مذهبی، بویژه برای تجربه عرفانی یگانگی و وحدت، سیستم‌های عصبی مجزایی وجود داشته باشد. با وجود این که ماهیت این سازوکارهای عصبی هنوز مورد بحث است، ولی کشف این سیستم‌ها باعث تقویت معنویت به عنوان یک هوش می‌شود [۹].

شواهد روان‌سنجی: یکی دیگر از معیارهای گاردنر برای هوش تایید یافته‌های روان‌سنجی است. در سال‌های اخیر تلاش زیادی برای ایجاد آزمون‌های وضعیت‌های معنوی و مذهبی صورت گرفته است. پیدمونت (۱۹۹۹) داده‌هایی درباره استقلال تعالی معنوی از مدل پنج‌عاملی شخصیت ارائه داد و مدعی شد که معنویت بیانگر بعد ششم شخصیت است که تا کنون شناسایی نشده بود [۱۰]. علاوه بر این، پژوهش‌های روان‌سنجی نشان داده‌اند که معیارهای تعالی معنوی و گرایش‌های مذهبی از نظر آماری از هوش عمومی مستقل هستند. برای ایجاد معیاری که مورد تایید علمی باشد باید ابتدا سازه معنویت و هوش معنوی را مفهوم سازی نمود [۱۱].

ویژگی توسعه در طول زمان: یک هوش باید در طول زمان پیشرفت و توسعه قابل‌شناسایی بروز دهد. به نظر می‌رسد معنویت از این معیار برخوردار است. الگوهای سنی پیشرفت اعتقادات نشان داده‌اند که رشد معنوی و ظرفیت ورود به مسیرهای معنوی دارای دوره‌های سنی جهانشمول است. در سال‌های اخیر تحقیقات بسیاری درباره پیشرفت مذهبی بزرگسالان صورت گرفته است. اکنون درباره آمادگی سنی درک تعالی معنوی توافقی کلی حاصل شده است. توانایی‌های معنوی نیز مثل سایر سیستم‌های دانش سطوح پیشرفت و تخصص از تازه کار تا متخصص دارد [۱۲]. این ویژگی را می‌توان در آزمون روان‌سنجی معنویت که ولمن (۲۰۱۱) طراحی کرده مشاهده نمود. در این آزمون امتیاز معنوی افراد با رشد سن افزایش می‌یابد. ولمن مشاهده کرد که زنان و مردان مسن‌تر مورد آزمون تجربیات و رفتار معنوی بیشتری را بروز می‌دادند [۱۳].

بهبود هوش معنوی با گذشت زمان، افزایش تجربیات زندگی، و افزایش تمایل به پرسش‌هایی درباره معنای غایی منطقی به نظر می‌رسد. در این راستا یونگ گفته است که افراد پس از میانسالی اهمیت و علاقه بیشتری به مسائل معنوی نشان می‌دهند [۱۴].

قابلیت درک نظام نمادها: یکی دیگر از معیارهای هوش قابلیت درک نظام نمادها است. این معیار کاملاً پذیرفته شده است. نظام نمادها اغلب نقش مهمی در سنت‌های مذهبی ایفا می‌کند و بیانگر حقایق و بینش‌هایی است که به زبان نمی‌آیند. کارکرد نمادهای مذهبی کمک به افراد جامعه مومنین در کسب تعالی و درک واقعیت غایی است؛ از این رو نمادها به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند. نمادهای مذهبی قدرتی دارند که آنها را از سایر نمادها متمایز می‌کند. آنها یا موضوعاتی سر و کار دارند که

عمیق ترین دغدغه های گاردنر تشریفات، مراسم و اسطوره های مذهبی را کدهای نمادینی می داند که نشان دهنده جنبه های اساسی هوش انسان هستند [۱۵].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که هوش معنوی، فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می نماید، به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می دهد و او را قادر می سازد به چارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد آنچه به عنوان اصول اساسی در دین مطرح است (مثل دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ در مورد مبدأ هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آنها) محورهای اصلی هوش معنوی را در بر می گیرد. به جرأت می توان گفت که شاید علت تحقیقات فزاینده در حوزه معنویت، مشاهده تأثیر چشمگیر آن، در بهبود عملکرد فردی و سازمانی بوده است. همچنین شواهد نشان می دهد که تمرین های معنوی افزایش دهنده آگاهی و بینش نسبت به سطوح جدید چندگانه هوشیاری (تعمق) هستند و بر عملکرد افراد تأثیر مثبتی دارند.

منابع و مأخذ

1. Amram, Joseph Yosi and D.christopher dryer. (۲۰۱۸). "The development and preliminary validation of the Integrated spiritual Intelligence scale (ISIS) ", Institute Of transpersonal psychology, palo Alto ,CA, working paper.
2. Amram, Joseph Yosi. (۲۰۱۵). "Intelligence Beyond IQ: The contribution emotion and spiritual intelligences to effective business leadership", Institute of Tranpersonal psychology.
3. Animasahun Rotimi A. (۲۰۱۰). "Intelligenet Quotient, Emotinal and Spiritual Intelligence as Corrlates of Prison Adjustment among Inmates in Nigeria Prisons,,jsoc sci, vol ۲۲, pp. ۱۲۱۱۲۸
4. Aubrey, Daniels. (۲۰۱۴). Changing Behavior that Drives Organizational Effectiveness. www.ipcctv.ir
5. Cherian, P. (۲۰۱۴). Now it's SQ. Retrieved from internet: [www.life and work meaning and purpose](http://www.lifeandworkmeaningandpurpose.com).
6. Cordova, J. V., Gee, C. G., and Warren, L. Z. (۲۰۱۵). Emotional skillfulness inmarriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, ۲۴: ۲۱۸-۲۳۵
7. Crichton. Jerome c, (۲۰۱۸), "A Qualitative study of Spiritual Intelligence in organizational leader". presented to the Faculty of The Marshall Goldsmith School of Management SanFrancisco Bay Campus Alliant International University In Partial Fulfillment of the Requirements of the Degree Doctor of Philosophy
8. Devinder Kaur, Murali Sambasivan,Naresh Kumar. ۲۰۱۵. Impact of emotional intelligence and spiritual intelligence on the caring behavior of nurses: a dimensionlevel exploratory study among public hospitals in Malaysia. *Applied Nursing Research*: ۷January ۲۰۱۵
9. Emmons, R. A. (۲۰۱۵). *The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality*. New York: The Guilford Press.
10. Emmons, R. A. (۲۰۱۰). Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the
11. psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, ۱۰(۱), ۳۲۶

12. Gardner, H. (۲۰۱۵). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the new millennium*. New York: Basic Books.
13. Gardner, H. (۲۰۱۰). A case against spiritual intelligence. *International Journal for the Psychology of Religion*, ۱۰(۱), ۲۷۳۴
14. Gardner, H. (۲۰۱۲). *New horizons for learning*. USA: Settle.
15. George. Mike, (۲۰۱۶), "Practical application of spiritual intelligence in the workplace", *Human resource management international digest*, Vol ۱۴, No. ۵, Pp:۳ ۵
16. Goleman, H. (۱۹۹۵). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books. Published Kaplan, R.S. and Norton, D.P(۱۹۹۲)), "The Balanced scorecard: Measures that Drive performance", *Harvard Business Review*, JanuaryFebruary, pp۷۱ ۹.
17. King, D. B. (۲۰۱۷). *The Spiritual Intelligence Project*. Trent University, Canada. www.dbking.net/spiritualintelligence.
18. Madhu. Jain & Purohit. prema,(۲۰۱۶), "Spiritual Intelligence: A Contemporary Concern With Regard to Living Status of the Senior Citizens", university of Rajasthan, jaipur, *journal of the indian Academy of Applied Psychology vol ۳۲ No.۳۲, p:۲۲۷۲۳۳*
19. Mc Mullen, b. (۲۰۱۳). *Spiritual intelligence*, retrirved from internet: www.studentmj.com.
20. Mc Whaw, K. & Abrami, P. R. (۲۰۱۲). Student goal orientation and interest: Effects on student use of selfregulated learning strategies. *Contemporary Educational Psychology*, ۲۶, ۳۱۱۳۲۹
21. Mitroff & Denton. (۲۰۱۵). "A study of spirituality in the workplace in the workplace,"*Sloan management review*, ۴۰, ۸۳۹۲
22. Nasel, D. D. (۲۰۱۴). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Thesis submitted for the degree of Ph. D in The University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology.
23. Noble, K. D. (۲۰۱۱). *Riding the windhorse: Spiritual intelligence and the growth of the self*. New Jersey: Hampton Press.
24. Oakland , J. s. (۲۰۱۵). *Total Organization Excellence*. Butterworth Heinemann Publication